

کارکردهای اجتماعی سکه‌های هخامنشیان

www.ketab.ir

مولفان

رضا عبادی جامخانه

محمد فرهادی



عنوان و نام بدیدآور	سرشناسه
مشخصات نشر	عبادی جامخانه، رضا، ۱۳۵۳ -
مشخصات ظاهری	کارکردهای اجتماعی سکه‌های هخامنشیان / مولفان رضا عبادی-جامخانه، محمد فرهادی.
شابک	نکا: جامخانه، ۱۴۰۰.
وضعیت فهرست نویسی	ص: ۷۵ - مصور، جدول.
یادداشت	۶۰۰۰۰۰ ریال: 9-84-627-622-978
موضوع	قیما
موضوع	کتابنامه: ص: ۷۴ - ۷۵.
موضوع	سکه‌های هخامنشی
موضوع	Coins, Achaemenid
موضوع	سکه‌های ایرانی -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
موضوع	Coins, Iranian -- Iran -- History -- To 633
موضوع	یول -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	Money -- Social aspects -- Iran
موضوع	یول -- ایران -- تاریخ
موضوع	Money -- Iran -- History
موضوع	تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق. م
موضوع	Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B. C.
تناه افزوده	فرهادی، محمد، ۱۳۳۱ سر داد -
رده بندی کنگره	CJ۷۷۴۴
رده بندی دیویی	۴۹۵۵/۷۲۷
شماره کتابت‌ناسی ملی	۸۵۲۱۶۹۱

نام کتاب: کارکردهای اجتماعی سکه‌های هخامنشیان

مولفان: رضا عبادی جامخانه، محمد فرهادی

ناشر: جامخانه

صفحه آرای و طرح جلد: آسیه پنائیان

نوبت چاپ و سال چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه چاپ و صحافی: زرانت

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۸۴-۶۶۲۷-۶۲۲-۹۷۸

فهرست

۶	مقدمه
۸	روش و ابزار پژوهش
۲۲	منبع‌شناسی هخامنشیان
۲۳	وضع اجتماعی و اقتصادی ملل در دوره هخامنشی
۳۱	تجارت و بازرگانی
۳۳	طرز اداره کشورها
۳۸	انواع سکه‌های هخامنشیان
۴۱	مشخصات سکه‌های شاهان هخامنشی
۵۳	عوامل تقویت کننده کارکرد امنیتی سکه‌های دوره هخامنشیان
۶۰	تداوم نقوش در سکه‌های هخامنشی
۶۲	تیر و کمان در سکه‌های هخامنشی نماد مدیریت کشورداری
۷۱	سیاست تقسیم سکه‌های طلای در یک و جنگ های پلویونز
۷۲	نتیجه گیری
۷۴	منابع

مقدمه

سکه عبارت است از یک قطعه فلز به وزن معین که روی آن علامت رسمی دولت و یا حکومتی که عیار وزن آن را تعهد می‌کرد، منقوش شده است. روایات قدیمی و تاریخی در قسمت اختراع سکه و با قدیمی‌ترین مملکتی که در آن برای اولین بار سکه ضرب شده مختلف است و علمای سکه شناسی مأخذ تحقیقات خود را نوشته‌های مورخان قرار داده و آنچه که با حقیقت منطبق و پسندیده‌تر به نظر می‌آید قبول کرده‌اند (بیانی، ۱۳۸۸: ۱۴).

ضرب سکه دارای کارکردهای متعددی مذهبی، اقتصادی، سیاسی بوده و همواره تحت تاثیر عوامل تقویت کننده و تهدید کننده می‌باشد. سکه‌ها از دیرباز نشانی بر قومیت، حاکمیت، استقلال و آزادی بودند. به عبارت دیگر به محض آنکه جماعت نسبتاً متشکلی استقلالی به دست می‌آوردند، برای اظهار وجود و نشان دادن آزادی و استقلال خود، به ضرب سکه مبادرت می‌کردند. امتیاز دیگری که ضرب سکه برای یک قوم داشت، آن بود که سکه‌ها نشانه پیشرفت تمدن و توجه به فرهنگ بود؛ یعنی مردمانی که اقدام به ضرب سکه می‌کردند به یقین پیشرفته‌تر و متمدن‌تر به حساب می‌آمدند. هر زمان که اوضاع مملکتی منظم‌تر و حکومت‌ها غنی‌تر بودند، سکه‌ها با اشکال زیبا و هنرمندانه‌تری ضرب می‌شدند.

مطالعه تاریخ سکه و کارکردهای آن در ایران به دوره هخامنشیان برمی‌گردد و در این زمینه با ابتکارا نشان خدمات قابل توجه‌ای به تجارت و تمدن بشری نموده بودند. کوروش هخامنشی (۵۵۰-۵۳۰ ق.م) با این که متوجه لزوم سکه و تأسیس ضربخانه شده بود ولی مرگ به او این فرصت را نداد. لذا داریوش هخامنشی (۵۲۲-۴۸۶ ق.م) اولین کسی بود که در ایران به ضرب سکه اقدام نمود. وی سکه‌های طلا و نقره بنام‌های دریک و شکل یا سیگلس به ترتیب به وزن ۸/۴۱ گرم و ۵/۶ گرم ضرب نمود. برروی سکه تصویر شاه هخامنشی به شکل کمان‌دار

پارسی دیده می‌شود که به علامت نیایش خدای بزرگ اهورامزدا، زانو زده و کمانی را در حال کشیدن زه و در دست دیگرش نیزه‌ای دارد. در پشت سکه نیز چند فرورفتگی مشاهده می‌شود. همچنین سکه‌ای از داریوش سوم به دست آمده است که بجای نیزه خنجر را بدست گرفته است. سکه‌های اولیه هخامنشی بنام سکه‌های شاهی معروف بوده است. قدرت مالی هخامنشیان بسیار زیاد بوده به طوری که مزد هر سرباز خارجی که برای ارتش ایران کار می‌کرده است یک سکه طلا (دریک) در ماه بوده است.

در سرتاسر ایران هخامنشی ضرابخانه‌های سلطنتی بنابر آن‌چه که احتیاج بود سکه ضرب می‌کردند ولی در مواقع لزوم بروز جنگ فرمانروایان یا ساتراپ‌های محلی که اطراف پادشاه مأمور تشکیل و تدارک سازوبرگ و اسلحه بودند سهم بیشتری برای ضرب سکه از خزانه‌ی سلطنتی دریافت می‌کردند از ساتراپ‌های هخامنشی که در تاریخ ایران نام آن‌ها برده شده است مانند داتام، مازه و فرناباد که مدت‌ها فرمانروایی کیلیکیه و سوریه و بابل را داشتند سکه‌های باارزشی در مجموعه موزه ملی موجود می‌باشد.

از انواع دیگر سکه‌های هخامنشی سکه‌های سلاطین و امرای تابع مانند شاهان قبرس و قینیقیه و امرای کاری، لیبی، آراد می‌باشد که مدت‌ها زیر نظر دولت هخامنشی درآمد و استقلال داخلی پیدا کرده و سکه ضرب نمودند. از سکه‌های بسیار جالب سکه‌های صیدا را می‌توان نام برد. در یک طرف این سکه نقره نقش کشتی جنگی و در طرف دیگر نقش اردشیر سوم هخامنشی را سوار بر گردونه‌ای بسیار زیبا می‌بینیم (۳۵۸-۳۲۶ ق.م). بر سکه نقره دیگری نقش اردشیر دوم کمان بدست ایستاده و در پشت سکه نقش کشتی جنگی با بادبان نقر شده است (۴۰۴-۳۵۸ ق.م) که با مشاهده این سکه می‌توان به تاریخ دریانوردی ایران در دوره هخامنشی و وضع کشتی‌های جنگی اهمیت آن‌ها پی برد. (بابلون، ۱۳۸۸ : ۸-۱) در حفاری سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ هیئت مشترک ایران و انگلیس در پاسارگاد، تعدادی از سکه‌های دوره هخامنشیان و اسکندر و سلوکوس اول به دست آمده است که از نظر نقش بسیار جالب است این سکه‌ها ضرب شهرهای شوش، بابل، اکباتان کاپادوکیه و آرارات در مجموعه موزه ملی ایران باستان موجود است. از سکه‌های شاهان باختر (۲۵۰ ق.م) که بر ایالات شرقی حکومت می‌کردند نمونه‌های جالبی وجود دارد که هر یک نشان دهنده وضع اجتماعی، اقتصادی، تاریخ، هنر و فرهنگ آن سرزمین است.

هردوت ۴۸۵-۴۲۵ پیش از میلاد، بزرگ‌ترین تاریخ‌نگار جهان باستان است که او را پدر تاریخ نیز دانسته‌اند. هر چند در نگارش نبردهای ایران و یونان از هم زبانان یونانی خود پشتیبانی می‌کند، بخش مهمی از تاریخ باشکوه ایران باستان از نوشته‌های او یا با کمک آن‌ها شناخته شده است. شناخت کنونی ما از ملت‌های کهن دیگری مانند بابلی‌ها، مصری‌ها، فینیقی‌ها، نیز تا اندازه‌ی زیادی از نوشته‌های او به دست آمده است. به نظر می‌رسد او نخستین کسی باشد که واژه‌ی هیستوری (History) را به معنای تاریخ به کار برده است.

شگفت‌انگیز این که، این تاریخ‌نگار به ظاهر یونانی، آن اندازه در میان مردم یونان، حتی خواص و اهل علم و فلسفه و تاریخ، ناشناخته بود که حتی ارسطو فیلسوف برجسته‌ی آن در یکی از آثار خود، وطن هردوت را شهر توربوم معرفی کرده است. جای این پرسش نیز هست که چرا این تاریخ‌نگار به ظاهر یونانی پیش‌تر زندگی خود را در سرزمین‌های زیر فرمان ایرانیان سپری می‌کند و طی زندگی خود زمان اندکی را در آن می‌ماند. او حتی در زمان بازنشستگی، که به ناچار وطن اصلی خود را ترک می‌کند، به مهاجرنشینی در جنوب ایتالیا می‌رود که چندان زیر نفوذ آتنی‌ها نیست. به نظر می‌رسد آتنی‌ها او را بیگانه می‌دانستند و به عنوان شهروند آتنی نپذیرفته بودند. با این همه، به بیان راولین سن، باستان‌شناس انگلیسی که تاریخ او را به انگلیسی ترجمه کرده است، پی بردن به این که چه دلیلی هردوت را «که علاقه و میلی به جامعه‌ی آتن داشت، به ترک آن‌جا وادار کرد»، دشوار است.

تاریخ هردوت را نخستین کتاب تاریخ جهان می‌دانند. با این همه، کتاب او در واقع تاریخ پیدایش امپراتوری ایرانیان، پیشرفت آن امپراتوری و رویارویی‌های ایرانیان و یونانیان است. او تاریخ خود را با داستان کروزوس پادشاه لیدی و لشکرکشی کوروش به آن‌جا آغاز می‌کند. سپس به تاریخ امپراتوری ایران می‌پردازد و چگونگی بر تخت نشستن کوروش و داریوش را شرح می‌دهد. در جلد‌های میانی به نبردهای بزرگ جهان باستان، ماراتن و سالامین می‌پردازد و ماجرای لشکرکشی دریایی داریوش و خشایارشا را بیان می‌کند و کتاب خود را با شرح جنگ‌های پلاته و میکال به پایان می‌برد. او در لابه‌لای این داستان دراز که نقش آفرینان اصلی آن ایرانیان هستند، به شرح زندگی و تاریخ قوم‌های دیگری مانند مصری‌ها و فینیقی‌ها نیز می‌پردازد.

هرودوت تاریخ خود را در ۹ جلد نوشته و هر کدام را به نام یکی از خدایان هنرهای زیبا نام‌گذاری کرده است. خدایان هنرهای زیبا، که در اسطوره‌ها و افسانه‌های یونانی از آن‌ها بسیار یاد شده، ۹ خدا بوده‌اند که هر یک از یکی از شاخه‌های هنرهای زیبا پشتیبانی می‌کرده است. خدای تاریخ، که کلی‌یو نام داشته، نخستین آن خدایان بوده است که نام جلد نخست تاریخ هرودوت است و هشت جلد دیگر به ترتیب به خدایان موسیقی، کمدی، تراژدی، رقص، شعر، غزل، اخترشناسی و سخن، اختصاص یافته است.

۱- کتاب اول: کلی‌یو (Clio) خداوند تاریخ. با داستان‌های افسانه‌ای و باور نکردنی آغاز می‌شود و سپس به امپراتوری لیدی اشاره می‌کند و به چگونگی سقوط آن در پی لشکرکشی کوروش اشاره می‌کند. او در همین جلد به معرفی ویژگی‌های قوم ماد و قوم پارس می‌پردازد. سپس ما را با قوم‌های یونی، دری و اثولی آشنا می‌کند و چون می‌خواهد از لشکرکشی کوروش به بابل یاد کند، پیرامون بابلی‌ها و تمدن بابل نیز سخنانی می‌آورد. کتاب اول او با چگونگی کشته شدن کوروش به دست قوم ماساژت، که زنی دلیر فرمان‌روای آنها بود، به پایان می‌رسد.

۲- کتاب دوم: اوترپ (Euterpe) خداوند موسیقی. به شرح اوضاع مصر پرداخته، چگونگی تأثیر رود نیل بر تمدن مصر را به تفصیل بیان کرده و در مورد مومیایی کردن اموات و شیوه‌های گوناگون آن و ساختن اهرام تحقیق کرده است. در مورد نظر مصریان درباره‌ی جانوران می‌گوید که خوک از نظر آنان ناپاک است. او در این کتاب از سرزمین‌هایی که امروزه به آن‌ها خاور نزدیک می‌گویند نام می‌برد و درباره‌ی تمدن آن‌ها مطالبی نوشته است.

۳- کتاب سوم: تالی (Thalie) خداوند کمدی. زندگی کمبوجیه و فتح مصر را شرح می‌دهد.

۴- کتاب چهارم: ملیومن (Melpomene) خداوند تراژدی. به چگونگی زندگی اقوام سکایی اشاره کرده است و تصویری از زندگی شبان‌های درنده‌خوی سکایی که بر پشت اسب می‌جنگیدند و در گاری و ارابه زندگی می‌کردند، به خواننده اثر خود عرضه می‌دهد و سپس به اغراق‌گویی درباره جنگ‌های ایران و یونان می‌پردازد.

۵- کتاب پنجم: تربسیکور (Terpsichore) خداوند رقص. دنباله‌ی جنگ‌های ایران و یونان را شرح می‌دهد و در مورد جاده‌ی شاهی، که با کوشش قوم‌های گوناگون و به فرمان داریوش هخامنشی بین سارد و شوش ایجاد شد، می‌گوید: «این راه از نقاط مسکونی و امن

می‌گذرد و در مسیر آن کاروان سراهای عالی ساخته‌اند. در هر پنج فرسنگ (یک منزل) یک کاروانسرا وجود دارد و در مجموع از سارد پایتخت لیدی تا شوش ایران ۱۱۱ کاروان سرا وجود دارد و چاپارها در هر منزلی اسب تازه نفسی را به کار می‌گیرند». هرودوت نوشته که چاپارها طی ۱۰ روز آن راه دراز را به طور کامل طی می‌کردند.

۶- کتاب ششم: اراتو (Erato) خداوند شعر اندوهناک. به چگونگی طغیان مردم ایونی علیه هخامنشیان می‌پردازد.

۷- کتاب هفتم: پولیمنی (Polymnie) خداوند غزل. درباره تدارکات نظامی خشایارشا جهت حمله به یونان است و اغراق‌گویی‌های زیادی در آن دیده می‌شود و در پایان آن به نبرد ترموپیل می‌پردازد.

۸- کتاب هشتم: اورانی (Uranie) خداوند اخترشناسی. ویژه‌ی نبرد جنگ سالامین است.

۹- کتاب نهم: کالیوپ (Calliope) خداوند سخن وری و شعر حماسی. به شرح جنگ پلاته و سرانجام شکست نهایی سپاه ایران در میکال اشاره دارد.

با وجود نادرستی‌هایی که در برخی از روایت‌های هرودوت دیده می‌شود، تاریخ او کمک زیادی به تاریخ‌شناسان و باستان‌شناسان کنونی برای کشف زبان‌های باستانی و نیز رویدادهای مهم تاریخی کرده است. برای نمونه هرودوت در جلد دوم کتاب خود درباره مصر نوشته است: «نکوس، فرزند بستامتیک، فرعون مصر، نخستین کسی بود که دست به حفر مجرای زد که نیل را به دریای اریتره (سرخ) متصل می‌کرد و سپس داریوش پارسی کار حفر آن را ادامه داد.» چون شامپلیون، این مطلب را در تاریخ هردوت مطالعه کرد به این مسئله کنجکاو گردید و در همان مسیری که تاریخ نگار یونانی از آن نام برده بود حفاری کرد و سنگ نوشته‌ای به دست آورد که روی آن به سه خط، یکی یونانی و دو خط مصری در این باره مطالبی نوشته شده بود. او پس از برابر کردن هر واژه‌ی یونانی با یکی از واژه‌های هیروگلیف، راز خواندن آن را کشف کرد.

پیش از هرودوت تاریخ نگاران دیگری مانند کادموس، هلانیکوس، میتی‌لین، شارن و هکاته، می‌زیستند که هرودوت در جوانی آرزو داشته است که روزی با آن‌ها از نزدیک آشنا شود. آن تاریخ نگاران بیش‌تر درباره‌ی چگونگی بنیان‌گذاری شهرهای باستانی و شکوه و جلال خانواده‌های بزرگ و اشراف سخن گفته‌اند و اغلب با استدلالی خیالی نسب کسانی را به خدایان و قهرمانان باستان می‌رسانده‌اند. هرودوت در جوانی نوشته‌های آنان را می‌خوانده و از

افسانه‌های خیالی آنان لذت می‌برده است، اما پس چندی دریافته بود که شیوه‌ی تاریخ نگاری آنان چندان درست نیست و آنان را به افسانه‌پردازی و داستان سرایی متهم کرده است. او آن چنان نسبت به شخصیت‌های مورد علاقه‌ی خود بی‌توجه می‌شود که گاهی از روی تحقیر آن‌ها را «یوننی» و «یونانی» می‌خواند و خود را از اهالی آسیای صغیر دانسته است (جلد دوم، بند ۱۶).

هردوت از هر سرزمینی که می‌گذشت، گزارش تهیه می‌کرد. این کار به زبان جامعه شناسان کنونی، تک‌نگاری نامیده می‌شود. این نوع پژوهش تاریخی را درباره‌ی ملت‌ها و تمدن‌های گوناگون، تاریخ تحلیلی نیز می‌گویند، زیرا این تاریخ نگار در پنج سده پیش از میلاد، مرحله‌های جداگانه‌ای از کوشش انسان‌ها را در زمینه سیاست، اقتصاد، اخلاق، تعلیم و تربیت، دین و دانش، ادب و هنر، در یک تمدن کاوش می‌کرد. در این روش هردوت از جزو به کل پی می‌برد. بنابراین، کتابی که او نوشت فقط مجموعه‌ای از اطلاعات تاریخی نیست، بلکه رگه‌هایی از پژوهش‌های باستان‌شناسی، فرهنگ عامه و حتی اطلاعات جغرافیایی است.

هردوت گزارش‌های خود را بر اساس مشاهده‌های شخصی و گفت و گو با شخصیت‌های آگاه، که ممکن بود از میان دانشمندان و بزرگان قوم باشند، به دست می‌آورد. او در برخی از جاهای کتاب خود «از پارسیانی که در تاریخ بسیار آگاه هستند» یاد می‌کند و حتی آغاز کتاب اول او نیز به همین عبارت است. با این همه، از نام آن‌ها و چگونگی آشنایی خود با آنان سخن نمی‌گوید. به نظر می‌رسد دست‌کم دو سنگ نوشته‌ی دوران هخامنشی از منبع‌های تاریخ او باشد. چرا که ماجرای به سلطنت رسیدن داریوش را با دقتی بیان می‌کند که در سنگ نوشته آمده است. با این همه، هنوز به درستی نمی‌دانیم که او چگونه از محتوای آن‌ها آگاه شده است.

هردوت در ۲۴۰۰ سال پیش درباره هر کشوری که مطلبی شنیده بود، برای پی بردن به درستی مطالب آن، دنیای آن زمان را زیر پا گذاشت، مانند همین شیوه را توین بی، تاریخ شناس انگلیسی، و تاریخ شناس آمریکایی، ویل دورانت، در قرن بیستم انجام دادند. این دو تاریخ شناس زمان ما همانند هردوت فقط به نوشته‌های پیشینیان بسنده نکردند، همان گونه که هردوت به آموزش‌ها و گفته‌های عمویش در هالیکارناس و نوشته‌های تاریخ‌نگاران پیش از خود بسنده نکرد و ضمن سفر یادداشت‌هایی را فراهم کرد. او در این باره در کتابش

می‌گوید: آن چه دیگران نقل کرده اند من در کتابم آورده‌ام، لکن چنین نیست که همه را بدون تمیز دادن باور کرده باشم، مگر این که در طی سفرهای مکرر به حقیقت آن پی برده باشم.

کتاب تاریخ هردوت از آن جایی که اطلاعات زیادی درباره تاریخ باستان ملت‌های گوناگون دارد، هنوز هم مورد استناد تاریخ‌شناسان است. با این همه، از آن جایی که به علل حوادث نپرداخته و چندان تسلسل وقایع و اشخاص از حیث تقدم و تاخر تاریخی رعایت نکرده، گاهی در پراکنده‌گویی از اندازه به در می‌رود و محاسبه سال‌ها و تاریخ روی‌دادها و سلطنت‌ها را از روی دقت انجام نداده جنبه علمی کامل ندارد. بعدها تاریخ‌نگاران دیگر با مقارنه قرار دادن حکومت پادشاهان سرزمین‌های گوناگون، سال درست رویدادهای گوناگون را به دست آورده‌اند.

بخش زیادی از تاریخ هردوت به پارس‌ها و مادها و ملت‌های زیر فرمان آنان اختصاص یافته و نقطه اوج تاریخ او، شرح جنگ‌های ایران و یونان از داریوش تا آخر دوره خشایارشا است. او در کتابش آرزو می‌کند که روزی آزادی یونان را ببیند و شاهد نابودی دیکتاتوری هخامنشی باشد. او، به غیر از کوروش و داریوش همه شاهان هخامنشی را "سبک سر و دیکتاتور" خوانده است. در مورد مسایل جنگی بیشتر از یونانی‌ها طرفداری کرده است و می‌گوید که جنگ ایران و یونان در حقیقت جنگ بین دیکتاتوری آسیایی و دموکراسی یونانی بوده است و چنان چه ایرانی‌ها پیروز شوند، دیکتاتوری آسیایی بر تمدن هلنی غلبه خواهد کرد. او هنگامی که از شهر آتن سخن می‌گوید، از آزادی سیاسی مردم آن شهر به نیکی یاد می‌کند (جلد پنجم، بند ۷۸)، اما به درستی نمی‌دانیم چرا او زندگی در مهاجرنشین توریم را بر زندگی در آتن ترجیح می‌دهد.

هردوت در معرفی سپاه ایران راه اغراق را پیموده است. میرزا حسن خان پیرنیا (مشیر الدوله) در تاریخ ایران باستان در مورد مبالغه‌گویی‌های هردوت در رابط با جنگ ایران و یونان مطالب زیادی دارد. او پیرامون شمار سپاهیان ایران که از تنگه‌ی بسفور گذشته و خود را برای یورش به آتن آماده می‌کردند، به این مبالغه‌ی هردوت اشاره می‌کند که می‌گوید: «قشون ایران به دریاچه‌ای رسید که پنج کیلومتر محیط آن بود و آب دریاچه برای سیراب کردن اسبان کفایت نمی‌کرد.» مشیرالدوله جواب می‌دهد که اگر بر فرض ژرفای آن دریاچه یک متر باشد، این دریاچه آن اندازه آبش زیاد خواهد بود که برای سیراب کردن بیش از یک میلیون اسب

کافیست و حال آن که همه‌ی سپاه ایران از سواره و پیاده بیش از ۳۵۰ هزار نفر نبوده است. در واقع، تاریخ هردوت در حکم گزارش یک خبرنگار جنگی است که گاهی خبری را بدون تفسیر و اظهار نظر نقل می‌کند و گاهی هم راه مبالغه را در پیش می‌گیرد.

او درباره‌ی ویژگی‌های رفتاری بزرگ پادشاه هخامنشی، کوروش بزرگ، می‌نویسد: «کوروش مانند پدری مهربان و رؤوف است که برای مردم کار می‌کند.» سپس اضافه می‌کند: «او مردی ساده، جفا کش، بسیار عالی همت، شجاع و در فنون جنگ ماهر بود. او بود که ایالت کوچک پارس را به یک مملکت بزرگ تبدیل کرد.» در جایی دیگر می‌گوید که او با مردم به مهربانی و پدرانه رفتار می‌کرد و در جای دیگر او را «آقای آسیا» می‌خواند. او در داستان فتح لیدی به کوشش سپاهیان پارس، از این نوآوری کوروش یاد می‌کند که از شترها برای رم دادن اسب‌ها سواره نظام لیدی بهره گرفت، چرا که بوی شتر باعث رم کردن اسب می‌شود.

هردوت کمبوجیه را نخستین نمونه از پادشاهان ظالم شرقی می‌داند که به فساد گرایش داشته است و می‌گوید: او شخصی تندخو، بی‌تاب، عاجز از کف نفس، درنده خود بود. داریوش که نمونه بهترین حکم رانان شرقی است، دلیر، باهوش، زیرک و در فن جنگ و صلح هنرمند و بنیان گذار و استوار کننده و وسعت دهنده امپراتوری بود. خشایار شا پادشاهی ستم گر، ناتوان، طفل‌وار ولی بی‌رحم، خودخواه، سست عنصر و به آسانی تحت نفوذ درباریان بود.

با این همه، او این رفتار پادشاهان پارس را می‌ستاید که فردی را برای یک گناه کوچک به مرگ محکوم نمی‌کنند و این که هیچ کدام از پارس‌ها حق ندارد برای یک گناه کوچک یکی از افراد خانواده‌ی خود را مجازاتی جبران ناپذیر کند. آن‌ها باید: نخست خوب بیاندیشند و چنانچه کارهای بد مقصر از خدماتش از حیث تعداد و شدت بیش‌تر باشد، آن‌گاه می‌توانند تسلیم خشم و غضب شوند و او را مجازات کنند.

درباره تعلیم و تربیت پارس‌ها در زمان کوروش می‌نویسد: پارس‌ها می‌خواهند که از جوانان خود مردانی شجاع و پر تهور بسازند و داشتن فرزندان زیاد را در خانواده تشویق می‌کنند. همه‌ی جوانان بایستی سوارکاری و تیراندازی را فرا گیرند. هر عملی که ارتکاب آن منع شده، صحبت کردن از آن نیز ممنوع است. به عقیده پارس‌ها بدترین و ننگین ترین کارها، دروغ گفتن و پس از آن قرض گرفتن است. استدلال آن‌ها این است که کسی که قرض می‌کند، گاه مجبور است دروغ بگوید.